

مبارزه با تامین مالی تروریسم در اسناد بین المللی و مقایسه آن با قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم جمهوری اسلامی ایران

عباس آزادبخت

دادستان شهرستان نهاوند

www.a.azadbakht.1830@gmail.com

آرین حاتمی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه تربیت مدرس

www.aryan.hatami.law1377@gmail.com

1

چکیده:

تامین مالی در کنار تامین عقیده یکی از دو موتور محرک تروریسم است. در سطح بینالمللی برای از کارانداختن این موتور، اسناد متعددی صادر شده است که در میان آنها به ترتیب، قطعنامه 1373 شورای امنیت سازمان ملل متحد، کنوانسیون مبارزه با تامین مالی تروریسم و توصیه های ویژه نه گانه نهاد فنتف، دارای اهمیت اند. از دل این سه سند الزاماتی برای مبارزه بایسته با تامین مالی بیرون میآید. ما این الزامات را به سان ترازویی در نظر گرفته ایم تا به وسیله آن عیار قانون مبارزه با تامین مالی جمهوری اسلامی ایران را بسنجیم. به نظر میرسد که این قانون به طور ناقصی سعی در رعایت این الزامات داشته است و موفق به اجرای کامل آنها نشده است.

واژگان کلیدی: تامین مالی تروریسم، قطعنامه 1373، کنوانسیون مبارزه با تامین مالی تروریسم، توصیه های نه گانه فنتف، قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم.

مقدمه

در صبحگاه 11 سپتامبر 2001 چهار هواپیما در ایالات متحده آمریکا ربوده شدند، به فاصله اندکی مشخص شد هواپیما ربایان 19 نفر از گروه تروریستی القاعده به رهبری چهار خلبان هستند: رمزی بن الشیب، مروان الشیخی، محمد عطا و زیاد جراح. هواپیما ربایان قصد داشتن به صورت انتحاری هواپیما های ربوده شده را به برجهای دوقلو مرکز تجارت جهانی، ساختمان پنتاگون و کاخ سفید بکوبند. اگرچه سه نفر اول موفق به اجرای عملیات شدند اما در هواپیما چهارم ماجرای رخ داد که باعث شد هواپیما به جای برخورد به کاخ سفید در شانکسویل در نزدیکی پنسیلوانیا سقوط کند. یک جوان آمریکایی با همسرش تماس میگیرد و میگوید هواپیمای ما در اختیار تروریستها است و تا لحظاتی دیگر قرار است که بمیریم اما اینجا چند نفری هستیم و خیال داریم کارهایی بکنیم و سرانجام او و دیگر مسافران با هواپیما ربایان درگیر میشوند و همین باعث میشود که زیاد جراح نیل به مقصودش نکند.

736

اگرچه سالها پیش از یازده سپتامبر هم مبارزه با تروریسم در سطح بین المللی آغاز شده بود اما تعداد بالای کشتهها، پراکندگی نژادی و ملی قربانیانو همچنین گستردگی و بهت آوری حادثه سبب شد سازمان ملل به طور جدی به پیکار با این پدیده شوم برد و جهت قطع شریانهای حیاتی آن دست به اقداماتی بزند. با اینکه تامین عقیده یکی از مهمترین قطعات پازل تشکیل دهنده تروریسم است اما عملیات تروریستی، خصوصا در ابعاد وسیع، نمیتواند بدون تامین مالی تشکیل شود. به عنوان مثال عملیات تروریستی یازده سپتامبر هزینههای بالغ بر پونصد تا ششصد هزار دلار در برداشت که از کشور امارات متحده عربی برای تروریستها در آمریکا ارسال شده و در 24 حساب بانکی متفاوت در جریان بوده است. از این رو و خصوصا بعد از حوادث یازده سپتامبر در ربع قرن اخیر تاکید بر انسداد منابع حمایت کننده مالی و اقتصادی تروریستها مورد تاکید جامعه جهانی بوده. علیرغم اینکه مبارزه با تامین مالی تروریسم امری بدیهی به نظر میرسد برخی خرده گیریها راه مبارزه با تامین مالی تروریسم را دشوار میکند. از منظر این خردهگیران آنچه سبب میشود شخص دست به اقدامات ترویستی بزند و در نتیجه پدیده تروریست دست و پا بگیرد، نه پول بلکه عقدههای ایدئولوژیکی و مذهبی است و هیچ شخصی حاضر نیست برای پول زندگی خود را فدا کند. اگرچه این سخن تا حدی زیادی درست است اما تامین عقیده تنها شرط لازم برای عملیات تروریستی است و نه شرط کافی، در واقع تامین مالی و تامین عقیده دو بالی هستند که سبب میشوند هواپیمای ترورستها به مقصدش برسد. راست است که بعید به نظر میرسد کسی صرفا به خاطر پول دست به اقدامات ترویستی بزند اما تهیه وسایل جهت اقدامات تروریستی خصوصا در ابعاد وسیع نیازمند تامین مالی است. ایراد بعدی به مبارزه با تامین مالی تروریسم که ریشه در تفکر اقتصادی مکتب اتریش دارد این است که دخالت دولت در بازار مالی باید به حد اقل خود برسد والا بازار کارکرد طبیعی خود را از دست داده و در نتیجه موجب به فرار سرمایه میشود. پاسخ این است که بلعکس تامین مالی تروریسم خود سبب اختلال در کارکرد بازار خواهد شد و در نتیجه دخالت دولت در جهت حذف این پدیده شوم خود بازگرداندن بازار به نظم طبیعی خود است، به علاوه سرمایه سالم و مولد در جایی فراری میشود که آنجا مستعد فعالیتهای ترویستی باشد و لذا مقابله با تامین مالی تروریسم خود سبب ایجاد فضایی سالم برای سرمایهگذاری میگردد. مشکل دیگر، هزینه بر بودن تامین مالی ترورست است. با این حال اهمیت جان آدمیان به قدری است که هزینههای فراوان در جهت آن را موجه جلوه دهد. سوای آن مبارزه با تامین مالی تروریسم سبب ایجاد فضایی سالم در اقتصاد میگردد که خود آن میتواند اقتصادی پایدار را فراهم آورد. همچنین واقعیت این است که هزینهها در این زمینه به نسبت به سرمایه کشورها و بانکهای بزرگ همچون سوزن در انبار کاه است. بالاخره ایراد بعدی نبود تعریفی مورد وفاق در مورد تروریسم و تامین مالی آن است که سبب سوء استفاده دولتها جهت سرکوب مخالفین میگردد. باید گفت نمیتوان به بهانه نبود تعریف دست از تلاش برای مبارزه برداشت، به عبارت دیگر نباید از ترس مرگ خودکشی کرد! درست است که مبارزه با تامین مالی ممکن است مورد سوء استفاده قرار گیرد اما راه درست نه ترک مبارزه که تدوین مقرارتی است که علاوه بر انسداد شریانهای مالی ترورستها، امکان سوء استفاده از مبارزه را نیز محدود کند.

مبارزه با تامین مالی تروریسم پیامدهای مهمی را در بردارد که مهمترین آن قطع شدن دستان ترویسم و در نتیجه در امان ماندن جان انسانهای بیگناه است. به علاوه از این طریق به خسارتهای ناشی از تامین مالی تروریسم به بانک ها جلوگیری میشود و سبب میشود پول در جریان بانکها پولی مولدی باشد که دولتها بتوانند برآورد درستی از سرمایههای داخل در کشور داشته باشند. همچنین از این طریق میتوان اطلاعات مفیدی جهت دستگیری و ردیابی تروریستها فراهم آورد.

با توجه به نکات بالا معلوم میشود که مبارزه با تامین مالی تروریسم ضرورتی است که میتواند منجر به از کار افتادن یکی از بالاهاهای تشکیل دهنده تروریسم و در نتیجه سقوط هواپیما آن گردد. هواپیمایی که ممکن است جان انسانهای پرشماری را به مخاطره بیندازد. حال که مبارزه با تامین مالی تروریسم یک ضرورت است باید دید در اسناد بین المللی و داخلی چه تلاشهایی در جهت این راستا صورت گرفته است. بنابراین ابتدا به شناخت تعریفی از تامین مالی تروریسم میپردازیم (بخش اول)، سپس

تلاشهای بین المللی در جهت مقابله با آن را بررسی می کنیم (بخش دوم) و دست آخر دست به مقایسه قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم، به عنوان مهمترین تلاش داخلی در جهت مقابله با این پدیده، با اسناد بین المللی میزنیم.

بخش اول مفاهیم

تامین مالی تروریسم در واقع وسیله‌های در جهت حمایت از تروریسم است لذا برای فهم تامین مالی تروریسم هم نیازمند شناختی از تروریسم (الف) و هم از تامین مالی آن (ب) هستیم.

الف: تروریسم

قدمت ترور به قدمت خود تاریخ است. حوادث تروریستی اغلب حوادثی شوکه کننده و بعضا تاریخ ساز بوده‌اند. به عنوان مثال ترور ولیعهد اتریش توسط یک جوان صرب در سراپوو جنگ جهانی اول را ایجاد کرد. از همان زمان جامعه بین المللی در جهت تلاش برای مبارزه با این پدیده برآمد. پس از پایان دو جنگ اول و دوم نیز وحشت ترور هنوز پا برجا بود اما به دلیل جنگ سرد و اختلاف دو بلوک شرق و غرب و در آمیختگی مقابله با تروریسم با سیاست پاسخ قابل قبولی از سوی جامعه بین المللی به این پدیده داده نمیشد. پس از جنگ سرد نیز اگرچه تلاشها برای مبارزه با تروریسم بیشتر شد و انتظار میرفت وفاق بر سر تعاریف شکل بگیرد هنوز تعریفی مورد وفاق در مورد تروریسم وجود ندارد، برخی آن را یک وظیفه‌های مقدس، برخی دیگر آن را استراتژی سیاسی و گروهی یک عمل نابخشودنی میدانند. بدین ترتیب واژه تروریسم که از جنجالیترین واژگان قرن بیست و یکم است با بحران معنایی رو به رو است.

با وجود این، تعاریف مختلفی از تروریسم صورت گرفته است برخی آن را حالت یا احساس دسته جمعی میدانند که خشونت و کشتار بی حد و حساب موجب آن است. از نظر فرهنگ خاص علوم سیاسی نظام حکومت ترور اعتقاد به لزوم آدم کشی و ایجاد وحشت در میان مردم و یا نظام فکری است که هر نوع عملی را برای رسیدن به هدف سیاسی مجاز می‌شمارد. در میان افراد حقوقی نیز دکتر لنگرودی تروریسم را کارهای جنایی ضدکشور به منظور ایجاد هراس در اشخاص یا اصناف یا طبقات معین و یا همه مردم کشور میدانند. دکتر شاملو نیز آن را به فرد یا گروهی اطلاق میکند که با توسل به شیوه‌های خشن و غیرمعتاد، جان و مال و امنیت عمومی را در معرض تهدیدات جدی قرار داده و موجب ترس و وحشت عمومی میشود. در تعریفی کاملتر از تعاریف بالا پل پیلار تروریسم را خشونتی از پیش طراحی شده، با جهت گیری سیاسی بر ضد اهداف غیر نظامی از سوی گروه‌های خرده ملی و عوامل مخفی که معمولا برای تاثیرگذاری بر مخاطبان به کار گرفته میشود میدانند. میتوان گفت ویژگی مشترک تمامی تعاریف بالا نگاه منفی و تاکید بر خشونت در تعریف تروریسم است.

شاید به دلیل همین تشویش معنایی تروریسم است که کنوانسیون مبارزه با تامین مالی تروریسم به جای تعریف تروریسم، اعمال تروریستی را مشخص کرده است. به موجب ماده 1 کنوانسیون ارتکاب اعمالی که طبق کنوانسیونهای مذکور در پیوست کنوانسیون مبارزه با تامین مالی جرم شناخته شده است یا ارتکاب هر عمل دیگری به منظور قتل یا ورود لطمه جسمی جدی به یک شهروند یا شخصی که مشارکت فعالی در درگیریهای مسلحانه ندارد و هدف از ارتکاب چنین عملی، ماهیتا یا بر اساس شرایط مربوط، ارباب جمعیت یا وادار نمودن یک حکومت یا سازمان بینالمللی به انجام یا خودداری از انجام هر عملی باشد عمل تروریستی است.

ب: تامین مالی تروریسم

در یک تعریف ساده تامین مالی یعنی در اختیار قرار دادن وجوه یا ایجاد تسهیلات به تروریستها. کنوانسیون مقابله با تامین مالی تروریسم نیز در ماده 3 تامین مالی را ارائه یا جمع آوری وجوه، به هر وسیله، به طور مستقیم یا غیر مستقیم، بر خلاف قانون، و به طور عمد، به قصد یا با علم به اینکه به طور کلی یا جزئی صرف اجرای اعمال تروریستی گردد. تعریف کرده‌است. در



واقع اهمیت تامین مالی تروریسم به قدری حیاتی است که کنوانسیون حتی علم تفضیلی به اینکه وجوه جهت اعمال تروریستی میشود را ضروری ندانسته و علم اجمالی را کافی میدانند. با این حال و با وجود نکات مثبت این چنینی، تعریف ارائه شده توسط کنوانسیون چندان کافی به نظر نمیرسد. توضیح اینکه تامین مالی تروریسم را میتوان در دو معنا در نظر گرفت یکی معنای اخص کلمه است که به طور دقیق حمایت مالی از تروریسم را شامل میشود و در کنوانسیون مورد اشاره قرار گرفت و دیگری معنای اعمی است که علاوه بر حمایت مالی از تروریسم هرگونه تامین و تغذیه مالی تروریسم را در برمیگیرد. تامین مالی در معنای اخص تنها منبع تغذیه مالی ترویستها نیست بلکه ترویستها، به ویژه در سالهای اخیر و ظهور ترویستهای شبه دولتی چون داعش که به منابع عظیم انرژی دسترسی پیدا کردهاند، از طرق دیگری همچون فروش نفت، قاچاق مواد مخدر و... نیز حمایت مالی میشوند. به عنوان نمونه بیشتر بودجه گروه تروریستی داعش و همچنین گروه القاعده از کمکهای خارجی به دست نیامد بلکه در داخل سوریه و عراق تولید میشود. برآورد شده است که داعش از میادین نفت و گاز عراق و سوریه چیزی در حدود روزانه 000/50 بشکه نفت خام استخراج میکند. تعریف تامین مالی در معنای اخص آن شاید برای کشورهایی که ترویستها از قلمرو خاک آنها به دور هستند و درواقع ترویستها با حمایتهای مالی خود را به آن سرزمین میرسانند تا حدی کافی به نظر برسد اما برای کشور ما که در همجواری گروههای مختلف تروریستی قرار دارد و این گروهها از طرق مختلفی چون قاچاق انسان، قاچاق اعضاء بدن، تجارت مواد مخدر و... تجهیز میشوند کافی نیست و باید تامین مالی را در معنای اعم کلمه در نظر داشت. حال که به شناخت اجمالی از تعریف تروریسم و تامین مالی آن دست یافتیم، باید به سراغ اسناد بین المللی رفت و دید که در آن اسناد چه بایستههای جهت مبارزه بهتر با این پدیده در نظر گرفته شده است.

بخش دوم: مبارزه با تامین مالی تروریسم در اسناد بین المللی

در سال 1998 در نزدیکی سفارت آمریکا در کنیا و تانزانیا بمب گذاری انجام شد. آمریکا بن لادن را متهم کرد و شوری امنیت سازمان ملل قطعنامه 1189 را صادر کرد. شوری امنیت در این سالها همچنین قطعنامه 1193 در محکومیت اشغال کنسولگری ایران توسط طالبان در افغانستان و همچنین قطعنامه 1214 را صادر کرد و از طالبان خواست کشورش را مامنی امن برای ترویستها قرار ندهد. سرانجام یک سال پس از انفجار بمب در سفارتخانه آمریکا در آفریقای شرقی شوری امنیت قطعنامه 1267 را در مورخ 15 اکتبر 1999 در رابطه با توقیف وجوه و سایر منایع مالی طالبان صادر کرد که این اولین بار بود که به طور مستقیم بحث حمایت مالی از تروریسم در یک سند بینالمللی مطرح شد. پس از آن نیز اقدامات گستردهای از سوی سازمانهای بینالمللی در جهت مقابله با تامین مالی تروریسم انجام شد. از سری اقداماتی که طرف نهادهای بینالمللی انجام شد میتوان به توصیههای گروه فتن و یا اقدامات گروه بانکی ولفسبرگ، قطعنامههای متعدد شوری امنیت سازمان ملل متحد و کنوانسیون مبارزه با تامین مالی تروریسم اشاره کرد. در میان این اسناد ما به مهمترین آنها یعنی قطعنامه 1373 شوری امنیت، کنوانسیون مبارزه با تامین مالی تروریسم و توصیههای ویژه گروه فتن میپردازیم. مفاد این سه سند به گونهای است که گاه ممکن یکدیگر و گاه تکرار هم. از حیث الزام آوری نیز میتوان ادعا کرد که قطعنامه 1373 شوری امنیت در درجهی اول اهمیت قرار دارد. زیرا از طرفی که کنوانسیون اثر نسبی دارد و نسبت به کشورهای غیر عضو الزامآور نیست و از طرفی خود کنوانسیون نیز نمیتواند کشورها را ملزم به عضویت در آن کند. اما قطعنامه شوری امنیت طبق ماده 25 منشور سازمان ملل متحد برای تمام کشورهای عضو سازمان ملل که تقریباً همهی کشورهای جهان است الزامی است و این قطعنامه پیوستن به کنوانسیون را الزامی کرده است. اقدامات گروه ویژه ضربت مالی نیز اگرچه از حیث الزام آوری در سطح قطعنامه یا کنوانسیون پیش گفته نیست اما به دلیل اینکه مرادادات مالی کشورها را درگیر خود میکند و عملاً عدم رعایت آن از سوی کشوری موجب اقدامات متقابل گروه علیه آن و در نتیجه از کارافتادن مرادادات مالی کشور میشود دارای اهمیت است.

در زیر ابتدا سه سند پیش گفته را به صورت اجمالی بررسی میکنیم (الف)، سپس بعد از نشان دادن موارد افتراق و اشتراک این اسناد (ب) الزاماتی که از این اسناد به بار میآید را مشاهده میکنیم (پ).

الف: بررسی اسناد بینالمللی

همان طور که گفته شد قطعنامه 1373 شورای امنیت از حیث اهمیت از سایر اسناد موجود مهمتر است. لذا ابتدا به بررسی این سند میپردازیم و سپس کنوانسیون مبارزه با تامین مالی تروریسم و در آخر توصیههای گروه ففت را بررسی میکنیم.

اول: قطعنامه 1373 شورای امنیت سازمان ملل متحد

شوری امنیت سازمان ملل قطعنامه های متعددی در رابطه با مقابله با تامین مالی تروریسم صادر کرده است از جمله قطعنامه 1267 در مورد انسداد وجوه و سایر منابع طالبان، قطعنامه 1363 در مورد انسداد اموال اسامه بن لادن و... یکی از این قطعنامهها، قطعنامه 1373 میباشد که بعد از حادثه یازده سپتامبر صادر شد. این قطعنامه نسبت به سایر قطعنامههای پیش گفته از اهمیت بیشتری برخوردار است زیرا این قطعنامه برخلاف قطعنامه های قبلی که در مورد گروه یا شخص خاصی است بدون توجه به شخص یا گروه خاص صادر شده و خاصیت شبه قانونگذاری دارد.

میتوان محتوی قطعنامه را به دو بخش تقسیم کرد. یکی ایجاد هنجارهای بین المللی مبارزه با تروریسم است که طی آن مبارزه با تامین مالی اعمال تروریستی و مبارزه با تامین مالی تروریستها در دستور کار قرار گرفته است. در مورد مقابله با تامین مالی اعمال تروریستی طبق ردیفهای الف و ب بند یک قطعنامه کلیه کشورها مکلف شده اند تا «از تامین مالی اعمال تروریستی پیشگیری و با آن مبارزه کنند» و «ارائه و جمع آوری وجوه، به هر وسیله، توسط اتباع خود یا داخل در سرزمین خود به قصد اینکه این وجوه باید یا با علم به اینکه قرار است برای اقدامات تروریستی مورد استفاده قرار گردد را جرم تلقی کنند». بدین ترتیب کشورها ملزم به جرمانگاری تامین مالی تروریسم شدهاند. در رابطه با تامین مالی تروریستها نیز طبق طبق ردیف د بند یک قطعنامه کلیه کشورها مکلف شدهاند تا «اتباع خود و هر شخص حقیقی یا حقوقی ساکن در سرزمین خود را از ارائه مستقیم یا غیرمستقیم هرگونه وجوه، داراییهای مالی یا منابع اقتصادی یا خدمات مالی یا سایر خدمات مرتبط، به نفع اشخاصی که مبادرت به اقدامات تروریستی یا شروع به آن مینمایند یا وقوع آن را تسهیل مینمایند یا مشارکت در انجام آن دارند، یا به نفع موسساتی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم متعلق به این اشخاص سا تحت کنترل آنها هستند یا به نفع اشخاص حقیقی یا حقوقی که از طرف یا به دستور اشخاص فوق عمل میکنند، ممنوع سازند». بنابراین برخلاف کنوانسیون نه تنها تامین مالی اعمال تروریستی که ارائه وجوه به تروریستها نیز مورد توجه قطعنامه بوده است. بخش دوم محتوی قطعنامه مربوط به انسداد دارایی تروریستها است. به موجب بند دوم قطعنامه کلیه کشورها مکلف شدهاند وجوه و دارایی اشخاصی را که مرتکب اعمال تروریستی میگرددند یا شروع به آن مینمایند یا در آن مشارکت میکنند را مسدود کنند. در قطعنامه موارد و الزامات دیگری نیز وجود دارد که جلوتر با آن آشنا خواهید شد.

دوم: کنوانسیون بینالمللی مبارزه با تامین مالی تروریسم

مبارزه با تامین مالی تروریسم چهارچوبی است که به پیشنهاد فرانسه در نشست مجمع عمومی در سال 1998 مطرح شد. در آنجا قطعنامههای تصویب شد و طی آن کمیتهای ویژه به منظور تدوین پیشنویس کنوانسیونی در این خصوص تحت نظر مجمع عمومی سازمان ملل تشکیل شد. سرانجام در 9 دسامبر 1999 تصویب شد و از ژانویه سال 2000 به منظور امضاء مفتوح شد که در 10 آوریل سال 2002 موجبات لازم الاجرا شدن آن فراهم شد. طبق ماده 26 کنوانسیون سی روز پس از سپردن بیست و دومین سند پذیرش، قبول، تصویب یا الحاق نزد دبیرکل ملل متحد، این کنوانسیون نافذ و قابل اجرا خواهد بود. این کنوانسیون سه تعهد عمده را برای کشورهای عضو قائل شده است:

جرمانگاری تامین مالی تروریسم (طبق مواد 2 و 3)، همکاری گسترده با سایر دول عضو و ارائه معاضدتهای قضایی در موضوعات مرتبط با کنوانسیون (مواد 12 تا 15)، وضع مقررات و الزامات مربوط به ایفای نقش موسسات مالی در کشف و گزارشدهی موارد تامین مالی اعمال تروریستی (ماده 18).

سوم: توصیههای گروه ویژه اقدام مالی

اعضاء گروه جی هفت، در نشست سال 1989 در پاریس تصمیم گرفتند گروه ویژه اقدام مالی را ایجاد و راههای سوء استفاده از موسسات مالی را مسدود کنند. گروه ویژه اقدام مالی یک کنوانسیون نیست بلکه یک نهاد بیندولتی است. در تعریف نهادهای بیندولتی باید گفت سازمانهایی هستند که از کشورهای مستقل تشکیل شدهاند و بینالمللی هستند. این نهاد دارای 37 عضو ناظر، شامل 35 کشور و 2 سازمان، است همچنین 194 کشور را پوشش میدهد. این نهاد جهت مقابله با پولشویی 40 توصیه را ارائه نمود و پس از حادثه یارده سبتامبر فعالیت خود را در جهت مقابله با تامین مالی تروریسم گسترش داد و در این راستا توصیههای نهگانهای را ارائه داد. این توصیه ابتدا هشت مورد بودند که در سال 2004 یک مورد دیگر بدان افزوده شد. کشورهایی که به توصیههای این نهاد پاسخ مثبت ندهند کشور غیرهمکار محسوب میگردند و در لیست سیاه این نهاد قرار میگیرند. که در حال حاضر کشور ما نیز در این لیست قرار دارد. این توصیههای نهگانه عبارتاند از:

- 1_ تصویب و اجرای کنوانسیون و قطعنامه 1373 شورای امنیت،
 - 2_ جرمانگاری تامین مالی تروریسم،
 - 3_ انسداد و مصادره دارایی تروریستها،
 - 4_ گزارشدهی معاملات مشکوک در ارتباط با تامین مالی تروریسم،
 - 5_ ارائه معاضدت قضایی به سایر دول،
 - 6_ اعمال ضوابط و مقررات راجع به پولسویی نسبت به سایر نظامهای جایگزین پرداخت،
 - 7_ اقدامات لازم جهت شناسایی مشتری در نقل و انتقالهای الکترونیکی،
 - 8_ کسب اطمینان از اینکه موسسات خیریه و غیرانفاعی مورد سوءاستفاده جهت تامین مالی تروریسم قرار نمیگیرند،
 - 9_ الزام دولتها به ایجاد تدابیری جهت جلوگیری از نقل و انتقال فرامرزی وجوه نقد و اسناد حامل و همچنین افساء و و اعلام این موارد.
- حال که به شناختی از سه سند مهم بینالمللی جهت مقابله با تامین مالی تروریسم دست یافتیم خوب است که وجوه اشتراک و افتراق این اسناد را نیز ببینیم و سپس با توجه به مهمترین نکاتی که این سه سند بر آن تاکید میکنند بایستتهای بینالمللی مبارزه با تامین مالی تروریسم را تعیین کنیم.

ب: وجوه اشتراک و افتراق قطعنامه 1373، کنوانسیون مبارزه با تامین مالی تروریسم و توصیههای نهگانه گروه ففف

همان گونه که پیشتر گفته شد این سه سند گاه همپوشانی دارند و گاه نکات جدیدی به نسبت به یکدیگر مطرح میکنند. در طرف مشترکات هر یک به نوعی انجام دیگر اسناد را الزام میکنند. از طرفی اولین توصیه از توصیههای گروه ففف تصویب و اجرای قطعنامه 1373 و کنوانسیون مبارزه با تامین مالی است و از طرف دیگر قطعنامه 1373 در قسمت د بند 3 پیوستن به کنوانسیون مبارزه با تامین مالی تروریسم را الزامیدانسته است. ناگفته پیداست با عضویت در کنوانسیون این توصیه به وقوع خواهد پیوست. توصیه دوم ففف به لزوم جرمانگاری تامین مالی تروریسم اشاره دارد که همین توصیه در بند 1 قطعنامه و ماده 4 کنوانسیون نیز وجود دارد. توصیه سوم از توصیه ففف به لزوم انسداد و مصادره اموال تروریستها اشاره دارد. همین نکته در ردیف پ بند یک قطعنامه و ماده 8 کنوانسیون نیز دیده میشود. در توصیه چهارم، ففف بر گزارشدهی معاملات مشکوک تاکید

کردهاست که شبیه همین حکم در ردیف ب بند 1 قطعنامه و ماده 18 کنوانسیون دیده شده است. سپس فTF به ارائه معاضدتهای قضایی پرداخته است که همین موضوع در ردیف ث بند 3 قطعنامه و مواد 16 و 18 کنوانسیون دیده میشود. علاوه بر این نکات مشترکی نیز بین قطعنامه و کنوانسیون وجود دارد. در قطعنامه از تمام کشورها خواسته شدهاست که به پیشگیری و مبارزه با تامین مالی تروریسم روی بیاورند که همین موضوع هدف کنوانسیون نیز میباشد. به علاوه قطعنامه از کشورها خواسته است که از استفاده از سرزمین آنها به منظور تامین مالی تروریسم جلوگیری به عمل آورند که همین موضوع در ماده 18 کنوانسیون نیز دیده میشود.

توصیههای بعدی فTF کم و بیش الزامات متفاوتی به نسبت به سایر اسناد دارد. توصیه ششم به ضرورت اعمال مقررات پولشویی نسب به نظامهای جایگزین پرداخت اشاره دارد، نکتهای که دیگر اسناد مذکور از آن غافل گشته-اند. توصیه هفتم بر به شناسایی مشتری در نقل و انتقالات الکترونیکی اشاره دارد. توصیه هشتم بر مراقبت و کسب اطمینان از فعالیتهای موسسات خیریه و انتفاعی است. و بالاخره توصیه آخر نیز به نکته جدیدی اشاره میکند. الزام دولتها به ایجاد تدابیری جهت کشور نقل و انتقال فرامرزی وجوه نقد. در قطعنامه نیز نکات جدید به نسبت به کنوانسیون وجود دارد. در ردیف د بند یک قطعنامه به مبارزه با تامین مالی تروریستها اشاره دارد. از آنجا که موضوع کنوانسیون مبارزه با تامین مالی تروریسم است، کنوانسیون اشارههای به آن نداشته است.

پ: الزامات بینالمللی مبارزه با تامین مالی تروریسم

بیشک مبارزه بایسته با تامین مالی تروریسم مستلزم وجود سازوکارهایی است. باید دید از دل سه سند پیشگفته چه الزاماتی وجود دارد که همچون سازوکاری نیازمندیهای ضروری مبارزه با تامین مالی تروریسم را تامین میکند. در زیر به بررسی این الزامات میپردازیم.

اول: پیوستن به اسناد بینالمللی

بیشک بهترین راه برای بهرمندی و اجرای درست قواعد مندرج در سه سند مذکور، عضویت در آن اسناد است. ضمن اینکه قطعنامه 1373 شورای امنیت پیوستن به کنوانسیون مبارزه با تامین مالی تروریسم را الزامی کردهاست و از آنجا که طبق ماده 25 منشور ملل متحد، کشورها باید قطعنامههای شورای امنیت را رعایت کنند و در صورت عدم رعایت ممکن است با ضمانت اجراهای مندرج در منشور ملل متحد رو به رو گردند. بنابراین میتوان گفت رعایت مفاد قطعنامه و کنوانسیون از سوی کشورها الزامی است. به علاوه در مورد توصیههای گروه فTF نیز گفته شد که عدم رعایت آن توصیهها میتواند مشکلات اقتصادی فلج کنندهای را برای یک کشور در بر داشته باشد و بدین ترتیب رعایت آن توصیهها به نوعی ضرورتی عملی دارد.

دوم: جرمانگاری تامین مالی تروریسم

اگرچه در سالیان اخیر جرمانگاری افراطی همواره مورد انتقاد بوده و گریبان کشورهای زیادی را گرفته است اما درحال حاضر کمتر کسی را میتوان یافت که برای مقابله با آفت بزرگی چون تروریسم ریسک عدم جرمانگاری را به جان بخرد. از آنجا که پول همچون خون در رگهای تروریسم است، جرمانگاری تامین مالی، به عنوان یکی از مهمترین بازوان تروریسم، در دستور کار سه سند اصلی مبارزه با تروریسم قرار گرفته است. طبق ردیفهای الف و ب بند یک قطعنامه و همچنین ماده 4 کنوانسیون و توصیه دوم از توصیههای نهگانه فTF کشورها ملزم به جرمانگاری تامنی مالی تروریسم هستند. مطابق با الگویی تنظیمی از سوی صندوق بینالمللی پول جرمانگاری تامین مالی تروریسم باید واجد زیر باشد:

- 1-موادری که ترویستها در کشور دیگر مستقر هستند یا اعمال ترویستی در کشور دیگر واقع میشود را نیز در بر بگیرد.
- 2-برای اشخاص حقوقی نیز مجازات در نظر گرفته شود.
- 3-تناسب جرم و مجازات و بازدارنده بودن مجازات را دارا باشد.

سوم: انسداد دارایی ترورستها

یکی دیگر از الزامات مهم در مبارزه با تامین مالی تروریسم مسدود کردن دارایی کسانی است که دست به اقدامات تروریستی میزنند. این موضوع در ماده 8 کنوانسیون بدین صورت مطرح شده است که کشورها باید اقدامات لازم جهت شناسایی، ردیابی و مسدود کردن وجوهی که جهت ارتکاب جرایم مندرج در ماده 2 کنوانسیون هزینه میشود و یا تخصیص داده میشود و نیز عواید حاصل از این جرایم را انجام دهند.

چهارم: شناسایی مشتریان

برای پیشگیری از تامین مالی تروریسم ضروری است کسانی که به موسسات و مشاغل مالی و پولی مراجعه میکنند شناسایی شوند. ماده 18 کنوانسیون مبارزه با تامین مالی تروریسم به لزوم احراز هویت صاحبان واقعی حساب توسط موسسات مالی و اتخاذ تدابیر لازم برای شناسایی اشخاص حقوقی و ممنوعیت افتتاح حساب توسط اشخاص ناشناس تاکید میکند. توصیه هفتم از توصیههای نهگانه نیز به لزوم شناسایی مشتری در نقل و انتقال الکترونیکی تاکید میکند.

پنجم: گزارشگری معاملات مشکوک

صرف شناسایی مشتری جهت مقابله با تامین مالی کافی نمیشود همچنین باید ضوابطی جهت گزارش معاملات مشکوک نیز پیشبینی شود. زیرا اولاً بسیاری از کارمندان و کارکنان موسسات مالی اشراف بیشتری به نسبت به ضابطین دادگستری بر روی معاملات دارند و امکان تشخیص معامله مشکوک توسط آنان بیش از سایرین است. به علاوه اینان حسب کار خود با معاملات زیادی رو در رو میشوند و به طبع میتوانند در صورت مشکوک قلمداد کردن معاملهای آن را اعلام کنند. ماده 18 کنوانسیون و

توصیه چهارم گروه فتف در همین راستا تدوین گشتهاند. ششم: نظارت بر فعالیتهای غیرانتفاعی و خیریه

سازمانهای خیریه به دلیل امکان ورود پول بیحساب و کتاب مستعد و در معرض پولشویی و تامین مالی تروریسم قرار دارند. پس از واقعه یازده سپتامبر ارتباط بین سازمانهای خیریه اسلامی و القاعده مورد توجه قرار گرفت. مطابق برخی بررسیها، القاعده در سالهای اوج فعالیت خود حداقل در یکپنجم خیریههای مستقر در انگلستان، ولز و هلند نفوذ کرده بود. بنابراین توصیه هشتم فتف به این نکته توجه نمود. بنابراین توصیه نهادهای خیریه و غیرانتفاعی به سه شیوه ممکن است مورد سوءاستفاده قرار گیرند. یکی سوءاستفاده از آنها توسط سازمانهای تروریستی که در قالب موسسات قانونی ظاهر میشوند. دوم بهرهبرداری از موسسات قانونی به عنوان مجاری تامین مالی تروریسم و سوم پنهان یا مبهم ساختن وجوه تخصیص داده شده به مقاصد مشروع به سوی سازمانهای تروریستی.

هفتم: نظارت بر خدمات نقل و انتقال وجوه توسط اشخاص حقیقی و حقوقی

قدم اولیه و مهم در جهت نظارت بر اینگونه اشخاص دارای مجوز بودن و به ثبت رسیدن آنهاست. کنوانسیون مبارزه با تامین مالی تروریسم در ماده 18 بر لزوم نظارت بر موسسات نقل و انتقال پول از طریق به ثبت رسیدن آنها تاکید داشته است.

هشتم: نظارت بر نقل و انتقال الکترونیکی وجوه

امروزه بیشتر نقل و انتقالات پولی به صورت الکترونیکی انجام میشود. به همین دلیل توصیه هفتم گروه فتف، که بالاتر به آن اشاره شد، بر شناسایی مشتریان در نقل و انتقالات الکترونیکی تاکید کرده است. ناگفته نماند که شناسایی مشتری در راستای نظارت بر نقل انتقال الکترونیکی وجوه است.

نهم: نظارت بر نقل و انتقال وجوه از مرزها به صورت فیزیکی

علاوه بر نقل و انتقال الکترونیکی، نقل و انتقال فیزیکی نیز هنوز رواج دارد. به ویژه کشورهای همچون کشورما که در همجواری تروریسم قرار دارد بیشتر متسعد نقل و انتقال فیزیکی پول از کشورهای همسایه به داخل کشور یا بلعکس جهت تامین مالی

تروریسم است. به همین منظور آخرین توصیه ویژه گروه فنف بر ضرورت نظارت بر نقل و انتقال فیزیکی وجوه اشاره داشته است.

بخش سوم: مقایسه قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم با الزامات ناشی از اسناد بین المللی

اگرچه لایحه جرمانگاری تروریسم در سال 1382 به نتیجه نرسید و کامان با اقدامات تروریستی تحت عناوین عمومی برخورد میشود تحت تاثیر از اسناد بینالمللی پیش گفته قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم مشتمل بر 17 ماده و 5 تبصره در سال 1394 به تصویب رسید. سپس تحت تاثیر فشارهای بینالمللی، خصوصاً نهاد فنف، سه سال بعد یعنی در سال 1397 قانون اصلاح قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم در 1 ماده و 5 تبصره به تصویب رسید.

در این بخش قصد داریم به بررسی این قانون با الزامات پیشگفته در سه سند بینالمللی مهم در رابطه با تامین مالی تروریسم بپردازیم. گفته شد که پیوستن و اجرای اسناد بینالمللی اولین گام جهت مبارزه با تامین مالی تروریسم است، از طرف دیگر با توجه به مفاد قطعنامه 1373 پیوستن به کنوانسیون مبارزه با تامین مالی تروریسم ضروری است. با این حال و کشور ما از میان 11 کنوانسیون موجود مرتبط با تامین مالی تروریسم تنها به کنوانسیون مبارزه با تامین مالی تروریسم نپیوسته، کنوانسیونی که البته مهمترین آنها است.

دومین الزام جرمانگاری تامین مالی تروریسم بود که همانگونه که گفته شد با اینکه در کشور ما خود تروریسم جرمانگاری نشده است، تامین مالی تروریسم جرمانگاری شده. ماده 1 قانون مبارزه با تروریسم با عباراتی مشابه کنوانسیون، دست به جرمانگاری تامین مالی تروریسم زده است. طبق این ماده، که در سال 1397 اصلاح شده است، «تهیه یا جمع آوری وجوه یا اموال به هر طریق چه دارای منشأ قانونی باشد یا نباشد و یا مصرف تمام یا بخشی از منابع مالی حاصله از قبیل قاچاق ارز، جلب کمکهای مالی و پولی، اعانه، انتقال پول، خرید و فروش اوراق مالی و اعتباری، افتتاح مستقیم یا غیرمستقیم حساب یا تأمین اعتبار یا انجام هرگونه فعالیت اقتصادی اشخاص توسط خود یا دیگری برای انجام اعمال زیر یا جهت ارائه به افراد تروریست یا سازمان های تروریستی، تأمین مالی تروریسم است و جرم محسوب می شود. علاوه بر گروههای تروریستی و افراد تروریست، تشخیص تروریستی بودن اعمال مندرج در بندهای ذیل بر عهده شورای عالی امنیت ملی است...». نکته مورد ذکر در مورد این ماده این است که اگرچه کشورها ملزم به پیروی از لیست خاصی جهت تروریستی اعلام کردن گروه خاصی نیستند و مثلاً لزومی ندارد که کشور ما از لیست اعلامی از سوی آمریکا پیروی کند اما از آنجا که طبق ماده 6 کنوانسیون نباید ملاحظات سیاسی و فلسفی و غیره را عذری برای تامین مالی تروریسم دانست به نظر میرسد که دادن اختیار تشخیص تروریستی بودن گروههای تروریستی و اشخاص تروریست به شورای عالی امنیت ملی که یک نهاد سیاسی است و نه نهادی قضایی خود به نوعی خطر اعمال معاذیر سیاسی در تشخیص تروریستی بودن گروهها و افراد را ایجاد شود. همچنین در جهت رعایت شرایط گفته شده توسط صندوق بینالمللی پول قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم در ماده 12 مقرر کرده است که: «هرگاه جرائم موضوع این قانون در خارج از کشور و علیه جمهوری اسلامی ایران یا سازمان های بین المللی مستقر در قلمرو جمهوری اسلامی ایران ارتکاب یابد، رسیدگی به آن حسب مورد در صلاحیت دادگاههای کیفری یک تهران است.» بنابراین اگر گروههای تروریستی در خارج از کشور باشند یا جرمدر خارج از کشور رخ بدهد بازهم جرمانگاری تامین مالی تروریسم شامل آنها میشود. این ماده میتواند از موارد «خاص» صلاحیت واقعی باشد. در رابطه با جرمانگاری فعالیتهای اشخاص تروریستی نیز که مورد تاکید شوری بینالمللی پول بود اگرچه طبق ماده 20 قانون مجازات اسلامی اشخاص حقوقی نیز در صورت جرم مجازات خواهند شد، شاید تحت تاثیر شرط اعلامی از سوی صندوق بینالمللی پول در ماده 4 قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم نیز در اقدامی بی اثر بر این موضوع تاکید کرده است: «در صورت ارتکاب جرائم موضوع این قانون توسط شخص حقوقی، طبق مقررات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ اقدام می شود.» البته از آنجا که امروزه غالب موارد تامین مالی در پوشش اشخاص حقوقی انجام



میگیرد نفس جرمانگاری و توجه به اعمال اشخاص حقوقی مفید و موثر است. سرانجام در رابطه با تناسب جرم و مجازات و بازدارنده بودن مجازات که آخرین شرط صندوق بینالمللی پول بود قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم در ماده 2 مقرر داشته است که «تأمین مالی تروریسم در صورتی که در حکم محاربه یا افساد فی الارض تلقی شود، مرتکب به مجازات آن محکوم می شود و در غیر این صورت علاوه بر مصادره وجوه و اموال موضوع ماده (۱) این قانون به نفع دولت، به مجازات دو تا پنج سال حبس و جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر منابع مالی تأمین شده محکوم می شود.» مجازاتی که به نظر میرسد میتواند بازدارندگی لازم را در برداشته باشد. با توجه به این نکات به نظر میرسد به طور کلی در رابطه با جرمانگاری تأمین مالی تروریسم قانونگذار ما توانسته است به خوبی از پس این الزام بر بیاید اگرچه اشکالاتی چون واگذاری تشخیص تروستی بودن گروهها به یک نهاد سیاسی وجود دارد.

انسداد اموال و داراییهای تروستیها الزام دیگری بود که طبق ماده 5 قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم سعی در انجام آن شده است. مطابق با این ماده «مراجع قضائی و ضابطان دادگستری تحت نظارت و تعلیمات و یا دستور مقام قضائی حسب مورد مکلفند اقدامات زیر را انجام دهند: الف - شناسایی، کشف و مسدود کردن وجوه استفاده شده یا تخصیص داده شده برای جرائم تأمین مالی تروریسم و عواید به دست آمده از آنها ب - شناسایی و توقیف اموال موضوع جرائم مذکور در این قانون و عواید آنها که به طور کامل یا جزئی تبدیل به اموال دیگری شده و تغییر وضعیت یافته است. پ - توقیف اموال و عواید موضوع جرم که با اموال قانونی امتزاج یافته به نحوی که اموال مزبور به اندازه تخمین زده شده قابل توقیف باشد.»

الزام چهارم شناسایی مشتریان بود. قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم در ماده 13 خود تمامی اشخاص و نهادها و دستگاههای مشمول قانون مبارزه با پولشویی را موظف کرده است که به منظور پیشگیری از تأمین مالی تروریسم اقدامات زیر را انجام دهند: «الف - شناسایی مراجعان هنگام ارائه تمام خدمات و انجام عملیات پولی و مالی از قبیل انجام هرگونه دریافت و پرداخت، حواله وجه، صدور و پرداخت چک، ارائه تسهیلات، صدور انواع کارت دریافت و پرداخت، صدور ضمانتنامه، خرید و فروش ارز و اوراق گواهی سپرده، اوراق مشارکت، قبول ضمانت و تعهد ضامنان به هر شکل از قبیل امضای سفته، برات و اعتبارات اسنادی و خرید و فروش سهام ب - نگهداری مدارک مربوط به سوابق معاملات و عملیات مالی اعم از فعال و غیرفعال و نیز مدارک مربوط به سوابق شناسایی مراجعان، حداقل به مدت پنج سال بعد از پایان عملیات» همچنین طبق آییننامه اجرایی این قانون نیز که به موجب ماده 17 همین قانون ایجاد شده است مشتریان خدمات مالی و نقل و انتقال حسب مورد در سه سطح اولیه، کامل و مضاف شناسایی خواهند شد.

ضرورت بعدی گزارشدهی معاملات مشکوک است. آییننامه، معاملات مشکوک را هرگونه عملیاتی که اشخاص مشمول با در دست داشتن اطلاعات و قراین و شواهد منطقی ظن قوی پیدا کنند که این عملیات به منظور شروع یا ارتکاب تأمین مالی تروریسم می باشد. تعریف کرده است. طبق ماده 14 مبارزه با تأمین تروریسم کلیه اشخاص مشمول قانون مبارزه با پولشویی موظفند گزارش عملیات مشکوک به تأمین مالی تروریسم را به شورای عالی مبارزه با پولشویی موضوع ماده (۴) قانون مذکور ارسال کنند. شورای یادشده موظف است گزارش های عملیات مشکوک موضوع این قانون را جهت سیر مراحل قانونی به مراجع ذی ربط ارسال کند. حتی برای این امر ضمانت اجرا نیز قرار داده شده و کسانی که از روی آگاهی و عمد یا برای کمک و تسهیل ارتکاب جرم، گزارشدهی نکنند معاون جرم محسوب می شود و در صورتی که انجام این اعمال به دلیل اهمال و سهل انگاری باشد، مرتکب حسب مورد به مجازات های مقرر اداری و انضباطی محکوم میشود. همچنین در صورتی که جرم تأمین مالی صورت گرفته باشد تکلیف گزارشدهی بر دوش تمامی اشخاصی که از وقوع جرم مطلع شدهاند قرار گرفته شده است.

بایسته بعدی مبارزه با تأمین مالی تروریسم نظارت بر موسسات خیریه و غیرانتفاعی است. گفته شد که فعالیتهای خیریه به دلیل نداشتن حساب و کتاب مشخص مستعد تأمین مالی تروریسم هستند. در کشور ما که به دلیل نوع دوستی مردم تعداد



این موسسات فراوان است و بسیاری از آنها حتی نام و نشان مشخص و ثبت شده‌ای ندارند ضرورت توجه به این موسسات بیشتر است، امری که در ماده 20 آییننامه به آن اشاره شده است. در جهت نظارت بر خدمات نقل و انتقال وجوه توسط اشخاص حقیقی و حقوقی نیز ماده 28 آییننامه بر مطالبی تاکید داشته است اما در مورد خصوص ثبت موسسات مجاز به نقل و انتقال پول که در اسناد بین‌المللی به عنوان گام اول و یکی از مهمترین راههای نظارت بر اشخاص بر آن تاکید شده چیزی در قانون و آیین نامه اجرایی آن به چشم نمیخورد. ماده 28 آییننامه همچنین دارای نکات مهم دیگری همچون نظارت بر نقل و انتقال الکترونیکی و فیزیکی وجوه است که از دیگر نکات ضروری جهت مبارزه با تامین مالی تروریسم است.

با توجه به مطالب بالا به نظر میرسد که قانونگذار ما سعی داشته است که خود را با اسناد بین‌المللی تطبیق دهد. با این حال این تلاش را نمیتواند به صورت کامل موفقیت آمیز در نظر گرفت. زیرا هنوز عدم رعایت الزامات بین‌المللی در قسمت هایی به چشم میخورد مهمترین آن عدم پیوستن به اسناد بین‌المللی، خصوصا کنوانسیون مبارزه با تامین مالی تروریسم است. امری که از طرفی با توجه به الزام آور بودن قطعنامه 1373 میتواند موجب به کارافتادن ضمانت اجراهای مندرج در منشور ملل متحد، از جمله تحریمهای بین‌المللی گردد. از سوی دیگر عدم پیوستن به اسناد بین‌المللی هماهنگی جهت مبارزه موثر در جهت مبارزه با تامین مالی تروریسم را با مشکل دچار میکنند. تروریسم میتواند جنبه فرامرزی به خود بگیرد کمالینکه غالب نیز چنین است. لذا پیوستن به اسناد بین‌المللی در بهبود مبارزه با تامین مالی موثر و بلکه ضروری است. همچنین برخی ملاحظات سیاسی و تفویض اختیار به برخی نهادهای سیاسی چون شوری عالی امنیت ملی نیز از دیگر مشکلات مبارزه موثر با تامین مالی تروریسم است.

نتیجه گیری

پول برای ایجاد عملیات تروریستی همچون خون در رگ است. لذا مبارزه با تامین مالی تروریسم میتواند به از نفس افتادن تروریسم کمک کند. در سطح بین‌المللی اسناد متعددی جهت خشکاندن ریشه های مالی تروریسم صادر شده است که مهمترین آنها به ترتیب، قطعنامه 1373 شوری امنیت سازمان ملل متحد، کنوانسیون مبارزه با تامین مالی تروریسم و توصیه های ویژه نگاهانه نهاد فتن است. از دل این سه سند الزاماتی جهت مبارزه شایسته با تامین مالی تروریسم بیرون میآید. در اثر فشارهای بین‌المللی سرانجام قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم جمهوری اسلامی ایران تصویب شد. این قانون سعی کرده است خود را با الزامات گفته شد در رابطه با مبارزه با تامین مالی تروریسم تطبیق دهد. با این وجود عدم پیوستن جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون مبارزه با تامین مالی و دخالت برخی نهادهای سیاسی راه تطبیق را دشوار مینماید. لذا به نظر میرسد که در کل اگرچه قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم گامی رو به جلو به شمار میرود و این قانون رد راه نزدیکی به اسناد بین‌المللی حرکات مثبتی انجام داده است هنوز به تطابق کامل با اسناد بین‌المللی نرسیده است.

روش تحقیق

نظری

منابع

- اسدزاده بنایی، حسین، رسایی، محمد، تحلیل جرمشناختی تامین مالی تروریسم در حقوق ایران، نشریه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، تابستان 1400، شماره 48.



- الشیخ، حیدر، الاسدی، ضیاء، مبارزه با تامین مالی تروریسم و جایگاه آن در اسناد بین المللی با نگاهی به سیاست جنایی ایران و عراق، نشریه وکیل مدافع، بهار 1398، شماره 18.
- ایوتوند، مهدی، شیرزادی، مهدی، نقش اصول لیبرال در جرم‌انگاری افراطی، ارائه شده در دومین کنفرانس فقه، فرهنگ و حقوق.
- پورقهرمانی، بابک، صادقزاده، اسماعیل، بررسی ضرورت ها و موانع مبارزه با تأمین مالی تروریسم؛ مطالعه موردی تامین منابع از طریق پول شویی، نشریه مطالعات بین المللی پلیس، تابستان - شماره 1.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، 1395، تهران، گنج دانش، چاپ 29.
- چاووشی، محمد صادق، کرامتی معز، هادی، نشریه علوم سیاسی-دانشگاه آزاد کرج، بهار 1397، شماره 42.
- حاجی ده آبادی، محمدعلی، سعیده، خاتمی، سیاست جنایی ایران در قبال تامین مالی تروریسم در پرتو الزامات بینالمللی، نشریه پژوهشهای حقوق تطبیقی اسلام و غرب، پاییز 1397، شماره 17.
- دبیرزاده، حمیدرضا، حاجی دهآبادی، احمد و حسن پوربافرانی، بررسی مقررات مبارزه با تامین مالی تروریسم در حقوق ایران و افغانستان و کنوانسیون بینالمللی مقابله با تامین مالی تروریسم، نشریه پژوهشهای سیاسی و بینالمللی، زمستان 1400، شماره 49.
- رحمانی، حلیمه، ناظمی اردکانی، مهدی، 40+9 توصیه در مبارزه با پولشویی و تروریسم، نشریه حسابرس، تابستان 1389، شماره 49.
- رنجبر، قاسم، جعفر، معتمد، تحلیل مفهومی تروریسم (بازشناسی ابعاد و رویه‌های مبارزه با آن در اسناد بینالمللی)، نشریه دانش امنیتی، پاییز و زمستان 1395، سال سوم، شماره 5.
- سلیمانی، رضا، آشفته‌گی معنایی تروریسم، مجله علوم سیاسی، زمستان، شماره 36.
- شاملو، باقر، تفکیک بین تروریسم و جرایم سیاسی، مجموعه مقالات و سخنرانیهای ارائه شده در همایش تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بینالملل، مرکز مطالعات و توسعه علوم انسانی و دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، سال 1381.
- شمس ناتری، محمد ابراهیم، داود، اسلامی، ماهیت کیفری تامین مالی تروریسم نشریه مطالعات حقوق کیفری و جرمشناسی، پاییز و زمستان 1394، شماره 4 و 5.
- حاتمی، عباس، رضایی، فاطمه، تحلیل تطبیقی شیوه‌های تامین مالی القاعده و داعش: رهیافتی در اقتصاد سیاسی تروریسم، دو فصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بینالملل، سال 1398، شماره 2.
- طیبی فرد، سید امیرحسین، مبارزه با تامین مالی تروریسم در اسناد بینالمللی، نشریه حقوق بینالملل، بهار و تابستان 1384، شماره 32.
- عارفی، مرتضی، درآمدی بر شیوه‌های تامین مالی تروریسم: ماهیت و شیوه‌های ارتکاب، نشریه تازه‌های حقوق کیفری، بهار و تابستان 1400، شماره 21، ص 248.
- عباسی، اصغر، معرفی گروه ضربت اقدام مالی علیه پولشویی، پژوهش‌نامه حقوق و علوم سیاسی، سال 1386، شماره 4.

- FATF REPORT, Financing of Terrorist Organisation Islamic State in Iraq and Levant. 2015
- Freeman, Michael, Financing Terrorism: Case Studies, Routledge, 2017.

8th International & National Conference on Management Studies, Accounting & Law

07 June 2023 - Tehran

هشتمین کنفرانس بین المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق

۱۷ خرداد ۱۴۰۲ - تهران



OxfordCert
Universal

13



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

748